

عنوان: درک تجربیات فارغ‌التحصیلان پرستاری در جریان گذر از نقش دانشجویی به نقش حرفه‌ای خود در مراکز آموزشی درمانی تبریز و چند شهر دیگر

نام دانشجو: عباس حیدری

رشته و مقطع تحصیلی: دکترای PhD - پرستاری

استاتید راهنما: دکتر حیدرعلی عابدی

استاد مشاور: دکتر مهوش صلصالی

شماره پایان‌نامه: ۱۴۹

مقدمه و هدف پژوهش: گذر، که بصورت عبور از یک وضعیت، حالت و یا مرحله ای دیگر در زندگی تعریف شده، به عنوان یک مفهوم محوری واساسی در پرستاری مورد توجه قرار گرفته است. گذر از نقش دانشجویی به نقش پرستار بالینی به عنوان نوعی گذر موقعیتی معرفی گردیده و توجه به آن به عنوان یک مرحله حساس در پرستاری همواره مورد تاکید صاحب‌نظران این حرفه قرار گرفته است. باین وجود، تحقیقات بسیار اندکی درباره این نوع گذر، و همچنین تجربیات پرستاران در طی این دوره انجام گردیده است. درک تجربیات پرستاران در جریان گذر به نقش حرفه ای خود می تواند بعنوان یک راهنما در توسعه استراتژی های آموزشی و حمایتی مناسب برای پرستاران تازه کار مورد استفاده قرار گیرد، بطوریکه از این طریق می توان در جهت بارور کردن ارزشهای حرفه ای در پرستاران و همچنین نگرشها و رفتارهای اساسی برای دستیابی به یک نتیجه مطلوب که همانا ارتقاء کیفیت مراقبتهای پرستاری است تلاش نمود. لذا این مطالعه در راستای هدف مذکور یعنی درک معنای تجربه گذر از نقش دانشجویی به نقش حرفه‌ای صورت گرفته و درصدد بوده است به سوالات ذیل پاسخ دهد: ۱- ساختار تجربه گذر از نقش دانشجویی به نقش حرفه‌ای در پرستاری چیست؟ ۲- اجزای تشکیل دهنده این تجربه کدامند؟ ۳- روابط موجود در ساختار پدیده گذر از نقش دانشجویی به نقش حرفه‌ای چگونه است؟

روش شناسی پژوهش: این مطالعه یک پژوهش کیفی است که با استفاده از روش پدیدار شناسی تفسیری مبتنی بر فلسفه های دیگر هدایت گردیده است از نظر هایده گر پدیدار شناسی، روشی تفسیری است که به توسط آن محقق به ورای توصیف صرف آنچه ظاهر است رفته و تلاش میکند تا معانی پنهان را آشکار سازد. به عبارتی پدیدار شناسی های دگر در تلاش است تا معانی وابسته به متن زندگی روزمره رادک نموده و مشخص سازد که توجه به اصل بودن در جهان نقطه شروع تحقیق هرمنوتیک است. تعداد ۹ نفر از پرستاران فارغ التحصیل در مقطع کارشناسی پرستاری که به تازگی کار خود را در یکی از بیمارستانهای تحت پوشش دانشکده علوم پزشکی سبزوار به عنوان پرستار طرحی شروع کرده بودند، به روش نمونه گیری مبتنی بر هدف انتخاب و به عنوان شرکت کنندگان اصلی مطالعه مورد مصاحبه عمیق و بدون ساختار قرار گرفتند. پس از تجزیه و تحلیل مقدماتی و استخراج کدهای اولیه، پنج نفر دیگر از پرستاران شاغل در شهرستانهای تبریز، تهران، مشهد، و شیراز نیز مورد مصاحبه قرار گرفتند. کلیه مصاحبه ها با استفاده از یک دستگاه ضبط صوت، ضبط و توسط محقق بر روی کاغذ منتقل و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جهت تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها روش ارائه شده توسط دیکلمن و همکاران که روشی معتبر جهت تجزیه و تحلیل مطالعات تفسیری می باشد، به عنوان یک الگو استفاده شده است.

یافته ها: تجزیه و تحلیل تجارب شرکت کنندگان در این مطالعه در جریان گذر به نقش حرفه‌ای خود به عنوان یک پرستار بالینی منجر به استخراج پنج درون مایه اصلی گردید که هر یک از آنها از تعدادی درون مایه فرعی تشکیل شده است. درون مایه های اصلی به همراه درون مایه های فرعی آنها که در داخل پراکنش آورده شده است شامل ؛ آمادگی حرفه ای (شایستگی، اعتماد به نفس، انتظارات)، حمایت (برنامه توجیهی، ابهام و بی‌تکلیفی، واکنشهای هیجانی)، تعامل با محیط (برخورد همکاران، احساس تنهایی، اجبار، تطابق)، هم‌رنگ شدن (فرهنگ محیط کار، روتین محوری) و استقلال (مسئولیت، پاسخگویی) می باشد.

نتیجه گیری: بطورکل تجارب شرکت کنندگان در این مطالعه نشان میدهد که تجربه گذر از نقش دانشجویی به نقش حرفه ای (پرستار بالینی) در ساختار پرستاری ایران، تجربیهای پرتنش و توام با چالشهای متعددی است که عمدتاً به خاطر عدم وجود یک محیط حمایتی مناسب و تا حدودی ضعف در برنامه درسی رشته پرستاری به وجود آمده است این مطالعه از طریق توصیف تجارب پرستاران تازه کار در بدو ورود به محیط بالین، سهم به سزایی را در توسعه دانش پرستاری در مورد پدیده گذر از نقش دانشجویی به نقش بالینی در پرستاری ایفا نموده است همچنین قسمتی تحت عنوان کاربردهای پژوهش در دو بخش آموزش و عمل که در انتهای رساله آورده شده است می تواند به عنوان راهنمایی مناسب جهت تدوین برنامه های آموزشی و حمایتی برای پرستاران تازه کار و در راستای کمک به تطابق بهتر آنان با موقعیت جدید مورد استفاده قرار گیرد.